

بررسی شخصیت و مقام حضرت زینب

<?xml encoding="UTF-8">

مقدمه

گاهی در تاریخ، انسان های بزرگی می درخشند که مدال افتخار می گیرند و بر بلندای شکوه انسانیت می ایستند و همواره الگوی نسل های بشری هستند. بدون شک از این نمونه ها حضرت زینب (علیها السلام) دختر امیر مؤمنان علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) می باشد. همان شخصیت بزرگی که تاکنون ده ها کتاب و صدها مقاله درباره، او نگارش یافته است. دانشمندان و تاریخ نگاران شیعه و سنی، هر کدام از دیدگاه خویش، به زندگانی و قهرمانی این بانوی سترگ نگریسته و آن را مورد تحلیل و تجلیل قرار داده اند. نوشتار حاضر به مناسبت ولادت این بانوی قهرمان به گوشه هایی از زندگانی شکوهمند وی پرداخته است. بدان امید که راه، روش و معنویت حضرت زینب (علیها السلام) همواره بدرقه زندگی مان باشد.

شخصیت حضرت زینب (علیها السلام)

روان شناسان می گویند: عوامل وراثت، تربیت، و محیط، در تکوّن و ساختار پایه های شخصیت آدمی نقش بنیادی، دارند. درباره زینب (علیها السلام) سه اصل اساسی فوق جایگاه ویژه ای داشت:

الف: وراثت او از سرچشمه نبوّت و ولایت، نشأت گرفت. جدش خاتم پیامبران (صلی الله علیه و آله) است که زینب از خمیره ذات او آفریده شده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «وُلِدَ فَاطِمَةُ فَأَنَا وَ لِیُّهُمْ وَ عُصْبَتُهُمْ، وَ هُمْ خُلُقُوا مِنْ طِبْئَتِي...»؛ «فرزندان فاطمه (حسن، حسین، زینب، و امّ کلثوم) که من ولی و سرپرست نسبی آن ها هستم، از طینت و خمیره ذات من آفریده شده اند...» بنابراین زینب (علیها السلام) ژن رسول خدا را در خود دارد و او وارث خاتم پیامبران می باشد و شخصیت او از خمیر مایه وجود رسول الله ریشه گرفته است. مادر این بانو دختر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و بهترین زنان عالم است و پدرش مولای متقیان (علیه السلام) وصی رسول خدا می باشد، از این رو شخصیت نازنین زینب (علیها السلام) آمیزه ای از حالات ملکوتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و علی و فاطمه (علیهما السلام) است، و این بانو مراتب کمال خویش را از این سه شخصیت بزرگ به ارث گرفته است.

ب: تربیت زینب از آغاز ولادت تا حدود شش سالگی در دامن پُر مهر پیامبر و علی تربیت یافت. او از سینه زهرا (علیها السلام) شیر نوشید و در پرتو وجود علی (علیه السلام) و نظارت دقیق وی رشد نمود. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مَا نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا نَحْلًا، أَفْضَلُ مِنْ آدَبٍ حَسَنِ»؛ «هدیه ای از سوی پدر به فرزند، بهتر از حُسن ادب و تربیت نیک نمی باشد.»

تربیت زینب، توسط پیامبر و علی، و مادری چون زهرا و برادرانی همانند حسن و حسین (علیهم السلام) سبب شد که این شخصیت والامقام به عنوان سؤمین بانوی جهان اسلام بعد از حضرت خدیجه و فاطمه (علیهما السلام) به شمار آید.

ج: محیط یکی دیگر از پایه های مهم ساختمان شخصیت آدمی محیط است. زینب (علیها السلام) در محیطی که کانون فضایل، صفا و صمیمیت بود، رشد و نمو یافت. محیط زندگی زینب، در شهر مدینه، خانه علی، فاطمه، حسن و حسین بود؛ همان خانه ای که کعبه آمال و محبوب دل های مؤمنان بوده و هست. چنین محیط نورانی و خانه با برکت، ارزش های والای دینی و انسانی را در وجود پر برکت زینب بارور و شکوفا ساخت.

د: شخصیت حضرت زینب (علیها السلام) از این عوامل مهم تر شخصیت ذی جود خود ایشان است که در دنباله مقاله بدان پرداخته می شود.

حضرت زینب (علیها السلام) در کودکی

از دوران کودکی، نبوغ بی نظیر و درک فوق العاده در وجود بانوی قهرمان کربلا به ویژه در مسائل اعتقادی مشاهده می شد، یک بار پدرش امیر المؤمنین (علیه السلام) وی را روی زانوی خویش نشانید و به او فرمود: بگو «احد» یعنی یکی، زینب (علیه السلام) گفت: احد، سپس علی (علیه السلام) فرمود: بگو: «اثنین» یعنی دو تا، زینب ساکت شد، مولای متقیان فرمود: سخن بگو، زینب گفت: زبانی که به گفتن «یک» گردش نموده چگونه «دو تا» بگوید، امام (علیه السلام) از پاسخ عمیق زینب مسرور شد، و او را به نشانه محبت و تجلیل به سینه چسبانید و بوسید.

بار دیگر زینب خردسال از پدر پرسید: پدر جان! آیا ما فرزندان را دوست داری؟ علی (علیه السلام) فرمود: آری «أولادنا أكبادنا»؛ «فرزندان ما، پاره های جگر ما هستند.»

زینب عرض کرد: ای پدر! «حُبَّان لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ»؛ «دو محبت در دل مؤمن یکجا جمع نمی شود.» «وَ إِنْ كَانَ لَا بُدَّ، فَالشَّقَّ لَنَا وَ الْحُبُّ لِلَّهِ خَالِصًا، فَأَزْ دَاذَ عَلِيٍّ حُبًّا»؛ «و اگر به این محبت چاره نیست، باید به ما دلسوزی داشته باشی و محبت مخصوص خداوند باشد. به خاطر تیزفهمی و درک عالی زینب (علیها السلام) امیر مؤمنان، محبت خود را نسبت به دخترش بیشتر کرد.»

زینب (علیها السلام) با این سخن به توحید خالص، اشاره کرد که همانا دلبستگی و دوستی حقیقی برای خداست، ولی دوستی فرزندان، به معنی مهربانی و دوستی ظاهری است.

آری زینب (علیها السلام)، که در پرتو تعلیمات پیامبر (صلی الله علیه و آله) و علی (علیه السلام) و در آغوش زهرا (علیها السلام) و در کنار حسن و حسین (علیهم السلام) تربیت و رشد یافته، چرا این گونه نباشد؟!

فضایل و مناقب عقیده بنی هاشم (علیها السلام)

زینب کبری (علیها السلام) دارای فضایل و مناقب فراوان بود. همان گونه که اشاره رفت، این بانوی با عظمت را عالمه غیر معلّمه، عقیده بنی هاشم، معصومه صغری، امینه الله، نائبة الزهراء، نائبة الحسين، عقيلة النساء، شریكة الشهداء، بلیغه، فصیحه، عابده آل علی، فاضله، شریكة الحسين... لقب داده اند، که توضیح هر کدام

فرصتی دیگری را می طلبد.

زینب بانوی بلند قامت، نیکو چهره و عالی مقام بود. در وقار و شخصیت مانند جده اش خدیجه (علیها السلام) در حیا و عفت همچون مادرش فاطمه (علیه السلام)، در رسایی و شیوایی بیان، مانند پدرش علی (علیه السلام)، در حلم و بردباری چون امام حسن (علیه السلام) و در شجاعت و قوت قلب، مانند برادرش حسین بود. در ذیل گوشه هایی از فضیلت های زینب را بر می شماریم:

1. علم و دانش سخنان و خطبه های عالمانه، همراه با استدلال به آیات قرآن، در کربلا، بازار کوفه، مجلس عبیدالله زیاد، در بین راه کوفه و شام، و همچنین در دربار «یزید»، از سوی زینب هر کدام شاهدی بر عظمت دانش این بانو است. ابن عباس، گفتار پر ارج فاطمه زهرا (علیها السلام) را درباره فدک، از زینب نقل کرده و می گوید: «عقیله ما زینب دختر علی چنین گفت...» افزون بر آن درس تفسیر قرآن از سوی زینب، برای زن های کوفه در زمان حکومت پدرش علی (علیه السلام) بیانگر دانش اوست.

زینب مقام بیان روایت و حدیث را دارا بوده است، چنان که محمد بن عمرو، عطاء بن سایب، فاطمه بنت حسین و دیگران، از زینب نقل حدیث کرده اند. عقیله بنی هاشم حتی آگاهی به حوادث آینده را از پدر بزرگوار خود فرا گرفته بود، همان گونه که بعضی از اصحاب پیامبر (صلی الله علیه و آله) مانند سلمان، ابوذر و برخی از یاران علی (علیه السلام) مانند میثم تمار، رشید هجری، به این گونه اسرار آگاه بودند. زینب دانای اسرار بوده و خطبه او در مجلس یزید و پیشگویی هایش شاهد این مدعاست. زینب دانش سرشار داشت، طبیعی است کسی که از محضر پیامبر (شهر علم) و علی (علیه السلام) (دروازه علم) کسب دانش نموده باشد، بایستی دریای علم باشد.

2. پرستش و عبادت عبادت از رفیع ترین مقام آدمی است. ائمه (علیهم السلام) هر کدام مرتبه اعلا این مقام را دارا بودند و با خدای خویش انس و الفت ویژه داشتند. دخت والا گهر علی، نهایت عبادت و تعظیم را در برابر پروردگار داشته است. زینب از نیایش و نمازهای پیامبر با خبر بود، چنان که خداوند به او وحی کرده بود: «ای پیامبر! ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که، بر اثر عبادت خود را به مشقت اندازی!»

زینب نمازهای مادرش زهرا و پدرش علی را شاهد بود، او نیایش های امام مجتبی (علیه السلام) را در دل شب ها و روزها دیده بود، عبادت و مناجات های حسین (علیه السلام) را به ویژه در شب و صبح عاشورا به تماشا نشسته بود و هر یک برای او درس و الگوی عبادت و مناجات بود.

حضرت زینب کبری (علیها السلام) شب ها به عبادت می پرداخت، و در دوران زندگی هیچ گاه تهجد را ترک نکرد و آن چنان اشتغال به عبادت ورزید که ملقب به «عابده آل علی» شد. شب زنده داری زینب، حتی در شب دهم و یازدهم عاشورا، با آن همه اندوه و مصیبت ها ترک نشد. فاطمه دختر امام حسین (علیه السلام) می گوید: «در شب عاشورا، عمه ام پیوسته در محراب عبادت ایستاده بود، نماز و نیایش داشت و پیوسته اشک های او سرازیر می شد».

امام زین العابدین (علیه السلام) هم سفر زینب در کوفه و شام، می فرماید:

«إِنَّ عَمَّتِي زَيْنَبَ (علیها السلام) كَانَتْ تَوَدِّي صَلَاتَهَا، مِنْ قِيَامِ الْفَرَايِضِ وَ النَوَافِلِ عِنْدَ مَسِيرِنَا مِنَ الْكُوفَةِ إِلَى شَامٍ وَ فِي بَعْضِ الْمَنَازِلِ كَانَتْ تَصَلِي مِنْ جُلُوسٍ لَشِدَّةِ الْجُوعِ وَ الضَّعْفِ... لِأَنَّهَا كَانَتْ تَقْسِمُ مَا يَصِيبُهَا مِنَ الطَّعَامِ عَلَى الْإِطْفَالِ...»؛ «عمه ام زینب در طول سفر اسارت از کوفه تا شام، پیوسته نمازهای واجب و مستحب خود را انجام

می داد و در بعضی از منزل گاه ها می دیدم که وی بر اثر ضعف و گرسنگی، نماز خود را نشسته می خواند، چرا که سهمیه غذای خود را میان کودکان تقسیم می کرد و دیگر توان ایستادن نداشت.»

ارتباط زینب با خداوند آن گونه بود که حضرت سید الشهداء (علیه السلام) در روز عاشورا، هنگام وداع به خواهرش فرمود: «یا اختی لا تنسینی فی نافلة اللیل»؛ «ای خواهر! مرا در نمازهای شب، فراموش نکن.»

3. حجاب و عفت از منظر اسلام، یکی از مهم ترین وظایف بانوان، پاسداری در حفظ حریم حجاب و عفت است. در قرآن مجید در چند آیه به ضرورت حجاب برای زنان تصریح و در چهارده آیه درباره عفت و پاکدامنی هشدار داده شده است. در احادیث نیز هشدارهای فراوانی در این زمینه آمده است.

عقیله بنی هاشم، در حجاب و عفت، مانند مادرش فاطمه زهرا (علیها السلام) بود و به این مهم بسیار اهمیت می داد. تا پیش از عاشورا و جریان اسارت، مردی نا محرم زینب را ندیده بود، چنان که در تاریخ آمده است: «هنگامی که زینب می خواست به مسجد النبی کنار قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برود علی (علیه السلام) دستور می داد شب برود و به حسن و حسین (علیهما السلام) می فرمود همراه خواهرشان باشند. حسن (علیه السلام) جلوتر و حسین (علیه السلام) پشت سر، زینب در وسط حرکت می کرد، آن ها از سوی مولای متقیان مأمور بودند که حتی چراغ روی مرقد منور پیامبر را خاموش کنند تا چشم نا محرم به قامت زینب نیفتد.

یحیی مازنی می گوید: «من در مدینه، مدت زیادی همسایه علی (علیه السلام) بودم، سوگند به خداوند، در این مدت، هرگز زینب را ندیدم و صدایش را نشنیدم.» حجاب و عفاف زینب به گونه ای بوده است که علامه مامقانی در این باره می گوید: «و هی فی الحجاب فَرِیدَةٌ لم یرَ شخْصُها أَحَدٌ من الرجال فی زمانِ ابیها و اخویها الی یوم الطَّفِّ»؛ «زینب در حجاب و عفاف یگانه روزگار بوده است؛ کسی از مردان، در زمان پدر او و برادرانش تا روز عاشورا، او را ندیده بود.»

4. صبر و ثبات از منظر دین، صبر جایگاه بس والایی داشته و قرآن به صبر کنندگان بشارت داده است.

مقام صبر نسبت به ایمان همانند سر برای بدن است. زینب (علیها السلام) نمونه و تجسم عالی صبر و پایداری است. مقاومت و شکیبایی در برابر مصایب و مشکلات، به ویژه در نهضت عاشورا، در راه پاسداری از حریم دین و کرامت انسانیت از خصیصه های بارز این بانوی بزرگ می باشد.

صبر و ثبات شگفت انگیز زینب، همگان را به اعجاب واداشته است؛ زیرا از پنج سالگی برای او مصایب جانکاه یکی پس از دیگری شروع شد؛ ولی زینب در برابر همه این مصیبت ها، قامت برافراشت و صبر کرد.

روزی زینب شاهد رحلت جدّ بزرگوارش رسول الله و تأثیر آن بر مسلمانان به ویژه بر خاندان او بود؛ زمانی دیگر شاهد مظلومیت و شهادت بانوی نمونه اسلام، مادرش زهرا (علیها السلام) بود؛ وی پس از آن مصیبت شهادت پدر بزرگوارش امیر مؤمنان را تحمّل نمود؛ دختر علی (علیه السلام) همچنان شاهد لخته لخته شدن جگر برادرش امام حسن (علیه السلام) در اثر زهر جفا بود، ولی آنچه را که آن مخدّره در کربلا مشاهده کرد، مصایب جانکاه و وصف ناپذیری است که کوه ها تاب تحمّل آن را نداشت.

زینب در وادی صبر و استقامت، یکه تاز میدان است، به گفته علامه مامقانی: «و هی فی الصبر و الثبات وحیده»؛ «زینب در صبر و ثبات بی نظیر و یگانه است.» در بلندای مقام صبر و بردباری آن گوهر عظیم الهی، همین بس که وقتی در برابر پیکر نورانی و خونین برادرش حسین ایستاد، رو به آسمان کرد و گفت: «بار خدایا! این اندک قربانی و

کشته شده در راه خود را از ما (خاندان پیامبر) بپذیر».

این سخنان از آن بانوی آزاده، در هنگامی که برادر عزیزش حسین (علیه السلام) و دیگر برادران و فرزندان خویش را از دست داده بود، قوّت ایمان، ثبات اعتقاد، گذشتن از خود و فنا شدن وی را در خداوند می رساند. زینب بر اثر توجه و تربیت خمسه طویه، آنچنان روح بزرگ یافته بود که شهادت عزیزانش را با صبر و ثبات وصف ناپذیر تحمّل نمود.

نورالدین جزایری می گوید: «از جمله القاب زینب (علیهاالسلام) الراضیة با القدر و القضاء است، و این مخدّره چنان در برابر شداید و محن ایستادگی کرد که اگر اندکی از بسیار آن، بر اذیال جبال راسیات گذاشته شود آب می گردد، ولی این مخدّره مظلومه، یکه و تنها، غریب و بی کس «کالجبل الراسخ...» در مقابل همه ایستادگی کرد. درست است که زینب در کربلا گریه ها و ناله ها نیز داشته است، چنانکه وقتی قامت علی اکبر بر زمین افتاد، زینب سراسیمه و با اشک دیدگان از خیمه بیرون آمد و فریاد زد: «یا حبیباه، یا ثمره فؤاده، یا نور عیناه!» و خود را بر روی بدن علی اکبر انداخت، حسین (علیه السلام) زینب را از پیکر علی جدا نموده به سوی خیمه ها برگرداند. با این که همین بانو در شهادت دو جوان خویش خاموش و ساکت بود، ولی ناله های زینب در این گونه موارد، دو جهت داشت:

1. گاهی عظمت مصیبت بیش از حد سنگین بود، از جمله شهادت علی اکبر، چرا که وی، مقامی بس ارجمند داشت و شبیه ترین کس به پیامبر (صلی الله علیه و آله) از نظر صورت و سیرت بود. به گفته نور الدین جزایری: «حضرت علی اکبر در واقعه عاشورا، نایب رسول خدا بود، همان طوری که قاسم (علیه السلام) نایب امام حسن (علیه السلام) و حضرت عباس نایب علی (علیه السلام) و حضرت زینب (علیهاالسلام) نایب زهرا (اطهر علیهاالسلام) بود، و علی اکبر از طینت محمدیه بوده است؛ چنان که در زیارتش می خوانیم: السلام علیک علی اول الشهید من نسل خیر سلیل من سلالته...»

بنابراین، به شهادت رسیدن علی اکبر، و مصیبت از دست دادن آن عزیز، چه اندازه سنگین و کمرشکن بوده است، مصیبتی که دل را آب می کند و عاطفه را به جوش می آورد، و نالیدن در چنین مصیبت عظمی، با مقام صبر در تعارض نیست.

2. دیگر این که گریه ها و ناله های زینب در کربلا و پس از آن در طول سفر کوفه و شام، در جهت اهداف عالی و رسالت عظمای او، یعنی ابلاغ و انتشار پیام عاشورا بوده است. زینب از راه های گوناگون از جمله با خطبه ها و سخنرانی های آتشین و گریه های جانسوز خویش از نهضت حسینی پاسداری نمود.

5. شجاعت و قهرمانی از ویژگی های عظیم بانوی کربلا، شجاعت است. شجاعتی به سان علی (علیه السلام)، که در قیام کربلا سخت مورد نیاز بود. اگر ذره ای ترس از حکومت استبدادی یزید در وجود زینب راه می یافت، پیروزی را ارمغان نداشت.

زینب در این ویژگی یکه تاز میدان بود. خطبه های آتشین و افشاگرانه او بر ضد دستگاه امویان و گفتار کوبنده او در فرصت های مختلف به دفاع از نهضت حسینی و صلابت بی نظیر او در کوفه و شام، همه و همه بیانگر قهرمانی و شجاعت اوست. «زینب به عنوان شیر زن کربلا و خطیب قهرمان پیام رسان خون شهیدان، در پیشانی اسلام تابید» و جهاد و دفاع او از اسلام و دیانت به ابدیت پیوست.

زینب کبری شجاعت را از پدر به ارث برده بود. «علی (علیه السلام) در نزد دوست و دشمن به شجاعت و شهامت

معروف بود».

خوابیدن مولا در بستر پیامبر در شب هجرت، به هلاکت رسیدن «عمرو بن عبدود» در جنگ خندق به دست وی و دلاوری های علی (علیه السلام) در جنگ های گوناگون دوران پیامبر و پس از آن زبان زد دوست و دشمن است. ابن ابی الحدید درباره شجاعت امیر مؤمنان چه زیبا گفته است:

«و اما الشجاعة فإنه أنسى الناس فيها ذكر من كان قبله، و محاسن من يأتي بعده، و مقاماته في الحرب مشهورة يضرب بها الامثال إلى يوم القيامة، و هو الشجاع الذي ما فرّ قط، و لا ارتاع من كتيبة و لا بارز أحدا الا قتله، و لا ضرب ضربة قط فاحتاجت الأولى إلى ثانيه...»، «و اما شجاعت علی (علیه السلام) به گونه ای است که نام شجاعان تاریخ گذشته را از یادها برده، و هم چنین نام دلیر مردان آینده را به فراموشی سپرده، مقام و شجاعت وی تا قیامت ضرب المثل شده است، وی قهرمانی بود که هرگز پشت به دشمن نکرد، هیچ گاه از انبوه و گردان دشمن نترسید، با کسی روبه رو نشد، جز آن که وی را بر زمین کوبید، علی (علیه السلام) هرگز بر دشمن ضربتی نزد که نیازمند ضربت دوم باشد...»

زینب نیز، افزون بر دیگر ویژگی ها، شجاعتی شایان از خود به نمایش گذاشت؛ وی بارها جان امام سجاد (علیه السلام) را از مرگ نجات داد، و هرگز به ابن زیاد و یزید پسر معاویه اعتنایی نکرد، در حالی که آنان در اوج اقتدارشان بودند، و پاسبان ها با شمشیرهای از نیام بیرون کشیده اطراف ایشان را گرفته بودند. زینب سخنانی ایراد کرد که یزید و اطرافیان وی را رسوا ساخت.

6. فصاحت و بلاغت بانوی قهرمان کربلا، فصاحت و بلاغت را از پدر و مادر گرمی اش به ارث برده بود. «هنگامی که سخن می گفت، گویی از زبان پدر ایراد سخن می کرد». سخنانش در بازار کوفه و مجلس یزید و نیز گفت وگوهای او با عبدالله بن زیاد، بی شباهت به خطبه های امیر المؤمنین علی (علیه السلام) و خطبه فدکیه مادرش زهرا (علیها السلام) نیست. این خطبه ها در حالی ایراد می شد که زینب داغ های فراوانی در سینه داشت؛ گذشته از آنکه تشنه، گرسنه و بی خواب بود، سختی سرپرستی کودکان و راه را نیز به دوش می کشید. وقتی زینب در بازار کوفه، آن خطبه فصیح، آتشین و شورانگیز را در میان انبوه جمعیت تماشایی ایراد فرمود، مردم دست ها را به دندان می گزیدند و با تعجب به هم نگاه می کردند. در همان موقع پیرمردی چنان از سخنان زینب بر انگیزته شد، در حالی که می گریست و محاسنش از اشک چشمش تر شده بود دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: «پدر و مادرم فدای ایشان که سالخوردگان شان بهترین سالخوردگان و کودکان ایشان بهترین خردسالان، و زنان شان بهترین زنان و نسل آن ها والاتر و برتر از همه نسل هاست». بدان امید که شخصیت و جایگاه بلند و بی بدیل دختر کبرای علی (علیه السلام) الگوی عملی زنان مسلمان قرار بگیرد، ان شاء الله.

پی نوشت ها :

1. دکتر عبدالله شفیع آبادی، مبانی روانشناسی رشد، انتشارات چهره، پنجم، 1371، ص 23 - 31.

2. فیروز آبادی، الفضائل الخمسة، ج 3، ص 150.

3. محمد محمدی اشتهااردی، حضرت زینب فروغ تابان کوثر، ص 29.

4. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، قم، آل البيت، 1407 ه.ق، ج 15، ص 164 - 165.
5. محمد محمدی اشتیاردی، حضرت زینب فروغ تابان کوثر، ص 35.
6. سیدکاظم ارفع، حضرت زینب(علیهاالسلام)، ص 12.
7. ر.ک: نور الدین جزایری، خصائص الزینبیه، بی جا، انتشارات میهن، 1401 ه. ق.
8. محمد محمدی اشتیاردی، حضرت زینب فروغ تابان، ص 22.
9. دکتر احمد بهشتی، زنان نامدار در قرآن و حدیث...، ص 51.
10. ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعة، ج 3، ص 57.
11. احمد صادقی اردستانی، زینب قهرمان دختر علی، تهران، نشر مطهر، 1372، ص 100.
12. ریاحین الشریعة، ج 3، ص 56.
13. سوره طه (20) آیه 2.
14. شیخ جعفر نقدی، زینب الكبرى، ص 61.
15. احمد صادقی، زینب قهرمان دختر علی، ص 106.
16. ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعة، ج 3، ص 62.
17. جعفر نقدی، زینب الكبرى، ص 62.
18. سوره نور (24) آیه 30 و احزاب (33) آیه های 32 و 33 و 59.
19. سوره نور (24) آیه های 2، 32، 27، 28، 30، 31، 59، 60، 58، 33، 32، و سوره احزاب (33) آیات 32 و 59 و سوره قصص (28) آیه 25.
20. شهید سید عبدالحسین دستغیب، زندگانی حضرت زینب، تهران، کاوه، بی تا، ص 19.
21. محمدی اشتیاردی، حضرت زینب...، ص 99.
22. حسن الهی، زینب کبری، عقیده بنی هاشم، ص 99، نقل از تنقیح المقال مامقانی، ج 3، ص 79.
23. همان، ص 110، نقل از تنقیح المقال مامقانی، ج 3، ص 79.
24. سید علی نقی فیض الاسلام، خاتون دو سرا (شرح حال زینب)، تهران، نشر آثار فیض الاسلام، دوم، 1366، ص 185.
25. همان.
26. نور الدین جزایری، خصائص الزینبیه، بی جا، چاپخانه میهن، 1401 قمری، ص 24.
27. ر.ک: سوره بقره (2) آیه 155.
28. ر.ک: علامه مجلسی، بحارالانوار، تهران، المكتبة الاسلامیة، بی تا، ج 45، ص 44.
29. همان.
30. نورالدین جزایری، خصائص الزینبیه، ص 29 - 32.
31. همان، ص 30.
32. محمد محمدی اشتیاردی، حضرت زینب فروغ تابان کوثر، ص 81.
33. حسن الهی، زینب کبری، ص 115.
34. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1418 ه. 1998 م، جزء اول، ص 19.
35. دکتر احمد بهشتی، زنان نامدار در قرآن و...، بی جا، سازمان تبلیغات اسلامی، 1368، ص 51.

36. سيد كاظم ارفع، حضرت زينب...، پيشين، ص 88.

37. همان، ص 89.